

## همه چیز

# زیر سر نایلتون است

نگاهی به خدمت سر بازی در  
کشورهای مختلف جهان به پنهان  
شایعاتی مبنی بر تغییر قانون در  
مجلس

## آندره ۴۱ سال

# پس از جنگ!



۳۹

روزنامه شهرآرا

شماره ۳۳۵۵ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰

۱۹

۰۱

۱۶ صفحه ویژه آخر هفته  
۸ آوریل ۲۰۲۱ | ۲۵ شعبان ۱۴۴۲  
شماره ۳۳۵۵ روزنامه شهرآرا

هشبه

# قیام یاغی!

در باره «هومن سیدی»  
و سر یال جسورش، قور یاغی، که  
به پایان خطر رسید اما همچنان  
بجست میان مخالفان و موافقانش  
ادامه دارد

همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. او جبران بخشی از نداشته‌های صداوسیما در زمینه اجرا بود و وقتی روی کار آمد، با اختلاف به بهترین مجری زن در این سازمان تبدیل شد. ستاره‌ای که توانمندی‌اش در زمینه اجرا در خور ستایش بود و لحن صمیمی‌اش، حرکات سریع دست‌هایش، لبخند همیشگی روی لب‌هایش و چادر ملی که او نخستین بار روی آنتن زنده صداوسیما به سر کرد، از او شخصیتی منحصر به فرد ساخته بود. همه چیز به خوبی پیش می‌رفت تا آنجا که فیلمی متفاوت از او دست به دست شد، فیلمی که نشانی از تصویر همیشگی او در قاب صداوسیما نداشت. در تابستان ۱۳۹۶، یخ‌بندان زندگی حرفه‌ای آزاده نامداری از راه رسید و افکار عمومی و سازمانی که در آن شکل گرفته بود، بابتی رحمی تمام او را طرد کردند. آن وقت نامداری ماند و ویرانه‌ای که تا چندی پیش همه آن چیزی بود که دوستش داشت.

کمتر از ۵ سال بعد و در نخستین روزهای ۱۴۰۰، آزاده نامداری جنجالی دیگر به پا کرد، اما این بار خودش نبود تا در برابر افکار عمومی قرار بگیرد. نامداری خود خواسته به زندگی‌اش پایان داد و سوالات زیادی را بی‌پاسخ گذاشت. گمانه‌زنی‌های زیادی درباره پایان زندگی نامداری وجود دارد و از همان لحظه انتشار خبر، مردم عوامل زیادی را در این تصمیم او دخیل دانستند. عواملی که اگر نگوییم «ممنوع‌التصویری» و پایان زندگی حرفه‌ای‌اش «اصلی‌ترین» آن‌ها بود، باید اقرار کنیم که نقش پررنگی در کنار عوامل دیگر داشته است.

آزاده نامداری مثال نقضی برای موضوع «پارادوکس جنسیتی خودکشی» بود. پارادوکس جنسیتی خودکشی از مباحث جامعه‌شناختی است که می‌گوید آمار خودکشی موفق در مردان بیش از زنان است، در حالی که افکار و ارتکاب خودکشی در زنان نسبت به مردان بیشتر شیوع دارد. از اواسط قرن بیستم، موضوع جنسیت در کنار واژه خودکشی مطرح شد و جامعه‌شناسی را به این سمت سوق داد که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خودکشی افراد را در دل جامعه و بر اساس جنسیت پیدا کند. جایی که تبعیض، بی‌عدالتی و خشونت می‌تواند به تشدید تفکر و ارتکاب خودکشی در زنان منجر شود. آزاده نامداری رفت و این سؤال جدی را برای افکار عمومی به وجود آورد که «مگر مجریگری چه داشت که نبودنش تا به این اندازه او را آزاده کرد؟» پاسخ اما پیچیده‌تر از شاخص علاقه و وابستگی است.

واقعیت این است که مسیر پیشرفت و دستیابی به مشاغل عالی و جایگاه مطلوب در کشور ما برای زنان و مردان یکسان نیست. ایران در میان ۱۵۳ کشور دنیا، رتبه ۱۴۸ تبعیض جنسیتی را دارد و بخش زیادی از این شکاف را فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌دهد. نرخ اشتغال زنان در کشور ما فقط ۱۷ درصد است، در حالی که بیشترین رقم اشتغال زنان در کشورهای دیگر به ۸۰ درصد می‌رسد و میانگین آن در کشورهای دنیا، چیزی حدود ۵۰ درصد است. مسائل فرهنگی و تبعیض‌های قانونی و غیرقانونی در کشور ما باعث می‌شود یک زن برای پیمودن مسیر و رسیدن به جایگاهی که همیشه آرزویش را داشته است، در مقایسه با یک مرد، نیازمند تلاش جانانه‌تری باشد. سختی‌های این مسیر می‌تواند از جنس‌ایستادگی در برابر تصورات قالبی جنسیت باشد یا قوانین دست‌وپاگیری که آنان را به حاشیه می‌راند. هرچه هست، زنان را برای رسیدن به جایگاه مطلوب، در معرض چالش‌های دشوارتری قرار می‌دهد.

زندگی آزاده نامداری به واسطه شهرتی که داشت، برایمان پررنگ بود، اما چندماه پیش که خبر مرگ خود خواسته هاله لاجوردی در رسانه‌ها پیچید، کمتر کسی به آن واکنش نشان داد. لاجوردی استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی بود و زمانی که یک شیه به حاشیه رانده شد، از هم گسست. برای کسی که زندگی‌اش را صرف تدریس و کارهای پژوهشی کرده بود، طرد شدن تحمل‌ناپذیر بود.

بی‌شک شاخص‌های زیادی در اقدام به خودکشی افراد وجود دارد و نمی‌توان از وجود یک عامل حرف زد، اما تأثیر جنسیت در تراژدی نامداری، لاجوردی و زنان دیگری که در سکوت جانانشان را از دست می‌دهند، هشدار برای مسئولان کشور و پیرو بحث عدالت جنسیتی است.

## کدام چیز زیر سر ناپلئون است!

سیدمحمد رضا هاشمی

کشور مردان ۱۱ سال و زنان ۷ سال به خدمت اجباری می‌روند.

**مصر:** مدت خدمت هر مرد مصری بنا بر میزان تحصیلاتش از ۱۴ تا ۳۶ ماه است. اخراجی‌های دبیرستان‌ها باید ۳۶ ماه (۳ سال) خدمت کنند. دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها بنا بر میزان تحصیلات خود کمتر خدمت می‌کنند. اما افرادی که سنشان از ۳۰ بگذرد، دیگر برای ارتش تلقی مناسب نمی‌شوند و باید جریمه پرداخت کنند، به همین دلیل برخی مصری‌ها برای اینکه از خدمت فرار کنند، به کشورهای خارجی می‌روند تا سنشان از ۳۰ بگذرد. آن‌ها در کنار ۵۸۰ دلار جریمه نقدی، از استخدام در نهادهای رسمی منع می‌شوند.

**اریتره:** در این کشور مردان و زنان جوان و ازدواج‌نکرده باید ۱۸ ماه خدمت ملی نظامی را سپری کنند. باین حال، خدمت سربازی در این کشور گاهی چندین سال طول می‌کشد و حتی در مواردی به‌طور نامحدود ادامه می‌یابد. بر اساس گزارشی که عفو بین‌الملل در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده است، سربازی در این کشور گاهی به کار اجباری تغییر ماهیت می‌دهد. شرایط سربازی در این کشور چنان وحشتناک است که یکی از دلایل اصلی فرار شهروندان اریتره به خارج از این کشور به شمار می‌رود.

**کره جنوبی:** این کشور که از نظر فنی همچنان در جنگ با کره شمالی است، شکل سخت‌گیرانه خدمت ملی سربازی را دارد. همه مردانی که از نظر فیزیکی مشکلی نداشته باشند، باید ۲۱ ماه در نیروی زمینی، ۲۳ ماه در نیروی دریایی یا ۲۴ ماه در نیروی هوایی خدمت کنند. باین حال، شهروندانی که در رویدادهای ورزشی به موفقیت برسند از این قانون معاف‌اند.

**سوریه:** خدمت سربازی برای همه مردان سوریه اجباری است. در سال ۲۰۱۱، بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور، فرمانی صادر کرد که بر اساس آن مدت خدمت سربازی از ۲۱ ماه به ۱۸ ماه کاهش یافت. کارگران دولتی که از سربازی فرار کنند با خطر از دست دادن شغل خود مواجه می‌شوند. به گزارش عفو بین‌الملل افرادی که از سربازی در سوریه فرار کنند، به ۱۵ سال زندان محکوم می‌شوند.

**افغانستان:** در حالی که تا سال ۱۳۵۰ خدمت سربازی ۲۴ ماهه در افغانستان اجباری بود، حالاً نزدیک به ۴ دهه است که خدمت سربازی در افغانستان اجباری نیست. ارتش افغانستان از میان ۱۳۸ کشور ارزیابی شده در رتبه ۷۸ قرار دارد. کشورهای دیگری از جمله ترکمنستان، ارمنستان، ونزوئلا، تاجیکستان، بوریکنافاسو، تایلند، ترکمنستان، سنگاپور، سودان، سومالی، ویتنام و... هم بین ۱۸ تا ۲۴ ماه سربازی اجباری دارند.

### سربازی در دیگر کشورها

جالب است بدانید که کشورهایی در جهان هستند که صرفاً به صورت نظامی غیرمسلح سربازی دارند که به نوعی به کار اجباری شباهت دارد. ۷ کشور آنگولا، اسپانیا، قبرس، استونی، الجزایر، بلاروس، لاتویا با این روش خدمت سربازی دارند.

۱۴ کشور دیگر جهان هم سربازی انتخابی دارند و معمولاً بین ۱۸ تا ۳۲ ساله‌ها می‌توانند انتخاب کنند که مایل‌اند به سربازی بروند یا نه؛ کشورهایی مانند اندونزی، تایلند، مالزی و سنگال. اما در این میان ۱۲۳ کشور سربازی اجباری ندارند و فقط از نیروهای داوطلب استفاده می‌کنند؛ کشورهای مثل آرژانتین، کانادا، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا، مقدونیه، کویت، آلمان و... .

در سال‌های گذشته تغییرات زیادی در چگونگی گذراندن دوره

خدمت سربازی در ایران اعمال شده است، مثل اجرای طرح «هر سرباز، یک مهارت» که بر اساس آن تلاش می‌شود دوره سربازی به فرصتی برای یادگیری یک مهارت کاربردی در زندگی سربازان پس از پایان خدمت آن‌ها تبدیل شود. چند روز قبل یکی از نمایندگان مجلس از تدوین طرحی پیشنهادی برای تغییر در ساختار سربازی خبر داد. طرحی که با در نظر گرفتن وضعیت حساس کشور، سربازی را از ۲ سال به ۵ سال تبدیل می‌کند که اختیاری خواهد بود و برای کسانی که سربازی نمی‌روند، طرح مالیات بر امنیت پیشنهاد شده است. جزئیات بیشتری از این طرح منتشر نشده است، اما به نظر می‌رسد مجلسی‌ها در تلاش‌اند تا سربازی از آنچه امروز است، متفاوت‌تر باشد.

### تاریخچه‌ای از سربازی در ایران

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه مردان ایرانی بالای ۱۸ سال به جز مواردی که استثنا شده‌اند، باید به خدمت سربازی بروند. مردان ایرانی، پیش از پایان خدمت اجباری سربازی از انجام هرگونه خدمات دولتی و بهره‌مندی از برخی خدمات شهروندی بازداشته می‌شوند، مگر با داشتن مدرک معافیت موقت. لایحه خدمت اجباری نظام وظیفه نخستین بار در ایران در سال ۱۳۰۳ به دست رضاشاه به مجلس شورای ملی چهارم تقدیم شد و قانون نظام اجباری که مشتمل بر ۳۶ ماده بود، در نشست ۱۷۸ مجلس شورای ملی، دوره ۵ در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ تصویب شد تا بخشی از نیاز نظامی ایران آن دوران را برطرف کند. از آذرماه ۱۳۹۹ مدت خدمت سربازی در ایران در مناطق عادی بومی ۲۴ ماه و در عادی غیربومی ۲۱ ماه تعیین شده است؛ ۲۴ ماهی که در دوره‌ای مهم از زندگی پسرها اتفاق می‌افتد و بسیاری از جوانان با چالش‌های زیادی در این دوره از زندگی‌شان مواجه‌اند.

### وضعیت سربازی در دیگر کشورهای جهان

جالب است بدانید که در برخی کشورهای سربازی از ۲۱ هفته تا ۱۱ سال اجباری است. از قرن‌های پیش، مسئله‌نیاز به «سرباز» برای تأمین امنیت و تقویت ارتش، در ایران و دیگر کشورها، چالشی برای همه دولت‌ها محسوب می‌شده و راه‌حل‌های متعددی برای حل آن در نظر گرفته شده است. از معروف‌ترین این راه‌حل‌ها، ایده «سرباز اجباری» بود که شکل «مدرن» آن نخستین بار در دوره انقلاب فرانسه و در سال ۱۷۹۸ به کار گرفته شد تا نخستین جمهوری جهان مدرن بتواند با این طرح از خود در مقابل حملات احتمالی دفاع کند. فرانسه با این اقدام به ارتش بزرگ و قدرتمندی دست پیدا کرد که به‌ظاهر با هزینه‌ای اندک برای دولت این کشور به دست آمده بود و در بحبوحه تنش‌های جهانی اواخر قرن هجدهم، امتیاز بزرگی برای دولت برخاسته از انقلاب این کشور به شمار می‌رفت. بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۳، بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار مرد فرانسوی به ارتش این کشور فرستاده شدند که در مقابل ارتش‌های حرفه‌ای، اما چنددهه‌هزار نفری دیگر دولت‌های اروپا، قدرت ویران‌کننده‌ای را به نمایش می‌گذاشتند. ناپلئون با استفاده از قدرت نظامی اجباری توانست «ارتش سلطنتی پروس» را شکست دهد تا ایده سربازی اجباری در کشورهای دیگر نیز به تدریج در قرن نوزدهم به کار گرفته شود.

### کشورهایی که بیش از ۱۸ ماه سربازی اجباری دارند

در بین کشورهای جهان حدود ۱۱ درصد (۲۴ کشور) سربازی اجباری بیش از ۱۸ ماه دارند که کشور ما هم یکی از آن‌هاست. **کره شمالی:** در میان همه کشورهای جهان، کره شمالی طولانی‌ترین مدت خدمت سربازی را دارد. بر اساس قانون این

نگاهی به خدمت سربازی در کشورهای مختلف جهان به بهانه‌های انتخاباتی ۱۴۰۰  
تفسیر قانون در مجلس



## چرا پدران بزرگ‌هایمان از ما شاهد تر بودند؟

با نگاهی گذرا به وضعیت

کلی کشورهای جهان، به راحتی می‌توان دید

که در مقایسه با ۵۰ سال گذشته، تعداد خودروها نسبت به تعداد

افراد تقریباً ۲ برابر شده است و مردم بیش از گذشته به رستوران می‌روند و امروزه بی‌شمار کالا و امکانات در دسترس عموم مردم قرار دارد که آن زمان اصلاً وجود هم نداشتند؛ از جمله تلویزیون‌های بزرگ با وضوح تصویر خوب، دستگاه‌های مایکروویو، خودروهای شاسی بلند و گوشی هوشمند با اینترنت بی‌سیم. اما آیا ما ۵۰ سال پیش شادتریم؟

مسئله تعریف مفهوم شادی کار ساده‌ای نیست، چه رسد به اندازه‌گیری میزان شادی افراد. با این حال، برخی تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که نه تنها میزان خشنودی ما نسبت به ۵۰ سال پیش افزایش نیافته است، بلکه حتی شاید کم‌تر هم شده باشد.

روان‌شناس کالج هوپ در ایالت میشیگان، دکتر دیوید جی مایرز (David G. Myers) می‌گوید: «جوانان امروزی نسبت به پدر بزرگ‌هایشان در رفاه بیشتر، ولی با اندکی شادی کمتر و ریسک خیلی بیشتر برای ابتلا به افسردگی و پیامدهای آسیب‌شناختی مرتبط با آن بزرگ شده‌اند. دارا تر شدن مادر ۴ دهه گذشته، حتی سرسوزنی با افزایش میزان سلامت ذهنی و فردی در ما همراه نبوده است.»

### چرا افراد مادی‌گرا شاد نیستند؟

رابطه بین وضعیت ذهنی افراد و مادی‌گرایی هم مثل دیگر مسائل مربوط به روان‌انسان، رابطه‌ای پیچیده است. در واقع، محققان هنوز در تلاش‌اند تا ببینند که آیا این مادی‌گرایی است که به شاد نبودن افراد دامن می‌زند یا شاد نبودن محرک مادی‌گرایی است یا هر دو.

محقق پروازره حوزه سلامت ذهنی فردی و مادی‌گرایی در دانشگاه ایلینوی، دکتر ادوارد دینر (Edward Diener) به مامی گوید میل شدید به مصرف‌گرایی می‌تواند محرک شاد نبودن افراد باشد. تحقیقات نشان می‌دهد دلیل این تأثیرات این است که میل شدید به مصرف‌گرایی امور را از هر آنچه شادی‌آور باشد، تهی می‌کند و حتی روابط خانوادگی و دوستی‌های مانیز از این خطر در امان نخواهد بود.

دکتر تیم کسر (Tim Kasser)، روان‌شناس کالج ناکس در ایالت ایلینوی، و دکتر آلن کتر (Allen Kanner)، روان‌درمانگر ساکن برکلی در ایالت کالیفرنیا، مؤلفان کتاب «روان‌شناسی و فرهنگ مصرف‌گرایی»، می‌گویند به نظر می‌رسد

پیوند خورده است.

دکتر کسر می‌گوید: «تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی افراد در اوضاع اجتماعی بد رشد می‌کنند یا رفتار خوبی از والدینشان دریافت نمی‌کنند یا در فقر زندگی می‌کنند یا با خطر مرگ مواجه می‌شوند، برای جبران و به عنوان راهی برای سازگاری با شرایط به افراد مادی‌گرا تبدیل می‌شوند.»

### ایاداشتن پول بیشتر به معنای شاد تر بودن است؟

طبق نتایج تحقیقی دیگر، تأثیرات منفی مادی‌گرایی دارای ماهیت تغییر پذیر هستند. در مقاله‌ای با عنوان «به صفر رساندن جنبه تاریک رؤیای آمریکایی» که در نوامبر ۲۰۰۳ در مجله علوم روان‌شناختی (Psychological Science) چاپ شد، دکتر دینر همراه با گروهی از همکارانش به مقایسه ۲ مجموعه داده‌ای پرداخت که در ۲ نوبت و با فاصله ۱۹ سال، یک‌بار در ابتدای ورود شرکت‌کنندگان به دانشگاه و بار دیگر در سال ۱۹۹۵، از ۱۲ هزار دانشجوی کالج‌ها و دانشگاه‌های برگزیده در دهه ۱۹۷۰ جمع‌آوری کرده بودند.

به طور میانگین، گروهی که در نوبت اول مشتاقانه از داشتن آمال و اهداف اقتصادی سخن گفته بودند، پس از گذشت ۲ دهه نسبت به گروهی که تمایل‌های مالی کمتری داشتند، از زندگی خود رضایت کمتری داشتند. با این حال، دکتر دینر و همکارانش دریافتند که برای افراد متعلق به گروه اول، هرچه میزان درآمد افزایش می‌یافت، میزان رضایتمندی از زندگی نیز افزایش می‌یافت.

دکتر جیمز ای بارز (James E. Burroughs)، استاد یار رشته بازرگانی در دانشگاه ویرجینیا، این طور نتیجه‌گیری می‌کند که در بین مادی‌گرایان، ناشادترین افراد کسانی هستند که بین معیارهای مادی‌گرایانه و معیارهای اساسی زندگی خود بیشترین تقابل را می‌بینند. در سال ۲۰۰۲، دکتر دینر و همکارانش در مقاله‌ای دیگر ابتدا به ارزیابی میزان استرس، معیارهای مادی‌گرایانه و معیارهای مثبت اجتماعی شرکت‌کنندگان در ۳ یافت خانواده، مذهب و جامعه، و با تکیه بر نظریه روان‌شناختی دکتر شلوم شوارتز (Shalom Schwartz)، پرداختند. سپس در پژوهشی تجربی، میزان تقابلی را که افراد در زمان انتخاب بین ۲ حوزه معیاری احساس می‌کنند، تعیین کردند.

بارز می‌گوید ناشادترین افراد دسته‌ای بودند که بیشترین تقابل را احساس می‌کردند، یعنی آن‌هایی که هم معیارهای اجتماعی و هم معیارهای مادی‌گرایانه بیشتری داشتند. افراد متعلق به دسته دیگر (یعنی کسانی که معیارهای مادی‌گرایانه پایین‌تر و معیارهای اجتماعی بالاتری داشتند، کسانی که معیارهای اجتماعی پایین‌تر و معیارهای مادی‌گرایانه بالاتری داشتند و کسانی که نسبت به هر ۲ عرصه کم اشتیاقی با بی‌اشتیاق بودند) نتایج مشابه داشتند، اما میزان استرس در زندگی آن‌ها کمتر بود. بارز می‌گوید یافته‌های او با یافته‌های پژوهشگران دیگر نیز مطابقت دارد، یعنی تفاوت میزان رضایتمندی از زندگی در بین افرادی که بیشتر مادی‌گرا هستند و افرادی که کمتر مادی‌گرا هستند، تقریباً اندک است. اومی گوید: «چیزهای مادی نه‌بند هستند نه خوب. آنچه می‌تواند مشکل ساز شود، نقش و موقعیتی است که این چیزها در زندگی افراد می‌پذیرند. کلید موفقیت، یافتن نقطه تعادل است؛ اینکه بدانید چیزهایی که دارید ارزشمندند، اما نه به‌بهای نادیده گرفتن آنچه واقعاً حائز اهمیت است، یعنی خانواده، اجتماع و معنویت.»

### افق‌های گسترده‌تر

دیگران اما نظر متفاوتی دارند. آن‌ها می‌گویند حتی اگر برخی افراد مادی‌گرا بتوانند زندگی خود را بدون هیچ زنجی پشت سر بگذارند، به‌رحال، مصرف‌گرایی هزینه‌های سنگینی برای ما دارد که ارزشش را دارد در آن‌ها تجدید نظر کنیم. دکتر کسر می‌گوید: «مادی‌گرایی عواقبی دارد که می‌تواند بر کیفیت زندگی انسان‌ها و گونه‌های دیگر تأثیرگذار باشد.»

به این منظور، او بسیاری از افراد دیگر در صدد مطالعه پیوندهای بین معیارهای مادی‌گرایانه و رویکرد ما نسبت به محیط زیست برآمده‌اند. آن‌ها قصد دارند به این مسئله بپردازند که مصرف‌گرایی چگونه و از چه طریق بر روان جمعی ما تأثیر گذاشته است.

دکتر کتر معتقد است مصرف‌گرایی یکی از حوزه‌هایی است که در آن روان‌شناسی باید تمرکزش را از افراد و موارد بردارد و به بررسی تأثیرات گسترده‌تر پدیده‌ها بپردازد. اومی گوید: «مصرف‌گرایی سازمانی که ناشی از برنامه‌ریزی شرکت‌های بزرگ است، تأثیرات روان‌شناختی همه‌جانبه‌ای بر مردم و همچنین همه سیاره ما می‌گذارد. روان‌شناسی غالباً مشکلات اجتماعی را بیش از اندازه خرد می‌کند و به سطح فردی می‌آورد. در این فرایند، معمولاً قربانی به تقصیر کار تبدیل می‌شود. در این نمونه خاص، تقصیر مصرف‌گرایی را در وهله اول به دوش افراد گذاشته‌ایم و فرهنگ سازمانی و شرکتی بزرگی را که تا این حد به زندگی‌های ما هجوم آورده است، نادیده گرفته‌ایم.»

### ریشه‌های مادی‌گرایی

مادر زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که فرهنگ مصرف‌گرایی به نقطه اوج خود رسیده است. با این فرض که همه مادر رستریک فرهنگ مصرف‌گرایی واحد زیسته‌ایم، چرا شدت معیارهای مادی‌گرایانه در برخی از ما بیشتر است و در برخی نه؟ مجموعه‌ای از تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که احساس ناامنی فردی، هم‌اجتماعی و هم‌عاطفی، مهم‌ترین علت شکل‌گیری تمایلات مصرف‌گرایی در ماست. در واقع، یافته‌های تحقیقات دکتر دینر و دیگر محققان حاکی از این است که شاد نبودن ما نه با پول، بلکه با تلاش و تکاپو برای دستیابی به آن

ریحانه صادقی

داشتن معیارهای شدید مادی‌گرایانه سبب می‌شود جهت‌گیری اهداف فرد به گونه‌ای باشد که منجر به کاهش سلامت او شود.

دکتر کسر در کتاب خود با عنوان «بهای گزاف مادی‌گرایی» با تکیه بر تحقیقات خودش و دیگران نشان می‌دهد افرادی که زندگی‌شان را حول محور اهداف بیرونی مانند به دست آوردن اشیاء نامرئی می‌کنند، روابط ناشادتر، خلیقیات نامناسب‌تر و مشکلات روان‌شناختی بیشتری دارند. دکتر کسر بین اهداف بیرونی، که متمرکز بر دارایی، تصویر فردی، موقعیت اجتماعی و دریافت پاداش و تحسین شدن هستند، و اهداف درونی، که معطوف به نتایجی مانند رشد فردی و ارتباطات اجتماعی و به خودی خود ارضاءکننده هستند، تمایز می‌گذارد.

دکتر مارشا ریچینز (Marsha Richins)، استاد روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه میزوری، در پژوهشی مرتبط با همین موضوع دریافت که افراد مادی‌گرا انتظارات غیر واقعی و زیادی درباره کارکرد کالاهای خریداری شده در روابط، استقلال و شادی‌شان دارند. دکتر ریچینز می‌گوید: «آن‌ها تصور می‌کنند داشتن این چیزها قرار است زندگی‌شان را به طرق مختلف تغییر دهد.» برای مثال، یکی از مردهای شرکت‌کننده در پژوهش دکتر ریچینز، می‌گفت دلش می‌خواهد استخری داشته باشد تا بتواند ارتباطش را با دختر سیزده ساله دمد می‌مزاجش بهبود بخشد.

## شبیه خودش

سریال «قورباغه» دست کم در ظاهر بلندپروازانه‌ترین پروژه هومن سیدی است. لوکیشن‌های متعدد، طراحی صحنه عظیم و مشکل، فیلم‌برداری عجیب و نازموده در ایران و گستره زمانی و مکانی قصه، از شمال کشور در زمان جنگ تحمیلی گرفته تا تایلد در زمان حال، همه دست به دست هم داده‌اند تا به راحتی بتوان صفت سخت را به این سریال اطلاق کرد. ساختن قورباغه کار سختی است و نیاز به شجاعت دارد. فاصله گرفتن از فرم‌های

آزموده شده همیشه با جسارت همراه بوده است. شاید مهم‌ترین دستاورد قورباغه فاصله گرفتن از واقعیت و روی آوردن به خیال باشد. سیدی که در ۲ تجربه گذشته‌اش، یعنی «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و «خشم و هیاهو» به شکل‌های مختلف خودش را شبیه به اجتماعی سازها می‌کرد، در قورباغه یکسره تغییر رویه داده است. البته این گزاره‌ها بدون در نظر گرفتن میزان موفقیت سیدی در این مسیر بیان شده است. قصه پرشاخ و برگ قورباغه را می‌توان با چشم‌پوشی بر بعضی اضافات، در این چند جمله خلاصه کرد: «ماده مخدری مرموز به اسم قورباغه قدرتی وصف‌نشدنی به صاحبش می‌دهد. صاحب قورباغه به راحتی می‌تواند دیگران را مطیع خود کند. آدم‌های سریال قورباغه حاضرند

برای دست‌یافتن به این قدرت همه گزاره‌های اخلاقی‌شان را نقض و جان خودشان را فدا کنند. همه چیز در این عبارت جمع می‌شود: عطش قدرت.» خلاصه‌ای که به احتمال دست مخاطبان را برای برداشت‌های سیاسی و زیرمتن‌های متعدد باز می‌گذارد. قصه‌های فرعی یعنی فلش‌بک به کودکی رامین و ماجرای قطع شدن انگشت مادرش در آستانه صلح ایران و عراق، قصه رابطه گذشته رامین و فرانک با محور حضور قدرت در یک رابطه عاطفی، ارتباط اولیه نوری با سروش و آباد و همچنین فلش‌بک رابطه شمس‌آبادی و لیلا با اینکه دخلی به ماده قورباغه ندارند اما خیانت و عطش قدرت را در وضعیت‌های مختلف ترسیم می‌کنند.

## افراط بدی!

برای ورود به دنیای شخصیت‌های سریال بر عبارت نقض گزاره‌های اخلاقی تأکید می‌کنم. تا به حال در یک سریال ایرانی این تعداد شخصیت سیاه بدون مابه‌ازاهایی که اخلاق را تعریف کنند، دور هم جمع نشده بودند. هیچ شخصیت نیک‌سرشتی در قورباغه حاضر نیست. همه آدم‌ها از پلیس گرفته تا پدر، برادر، خواهر و رفیق؛ منفعت‌طلب، دورو، خبیث و خیانت‌کارند. انگار این جهان پر از ریا به واسطه حضور قورباغه ترسیم شده است یا قورباغه یگانه راه ممکن برای کنترل کردن این جماعت به حساب می‌آید. نوری با بازی نوید محمدزاده به عنوان شاه سریال، در هراس از دست دادن امپراتوری‌اش سر بر بالین می‌گذارد و برای حفظ جایگاهش هر کسی را که بتواند از میان برمی‌دارد. بقیه مهره‌ها با دلایل و انگیزه‌های

مختلف سعی می‌کنند با نزدیک شدن و نزدیک ماندن به شاه، او را پایین بکشند و جایگزینش شوند. در واقع مسابقه‌ای با موضوع افراط در بی‌اخلاقی بین همه شخصیت‌ها در جریان است. قورباغه هر چه که نباشد، سرآغاز یک دوران است. گبروگورهای پی‌رنگ، شخصیت‌های گاهی کم‌هوش و بازی‌های گاهی نپخته بازیگرانش به کنار، آدم‌های قورباغه عطش سیری‌ناپذیری به پیش رفتن بی‌مهابا، زندگی کردن و عبور از خط قرمزها (گزاره‌های اخلاقی) دارند. عطشی که سلیقه فیلم‌سازش هم هست. هومن سیدی بارها نشان داده که به تجربه فضاهای تازه علاقه‌مند است. در مغزهای کوچک زنگ‌زده فضای حاشیه شهر را رنگ‌آمیزی شده و جذاب به تصویر می‌کشد و آدم‌های حاشیه‌نشین را شبیه به کارتل‌های مواد مخدر نشان می‌دهد. در خشم و هیاهو قصه‌ای واقعی را دست‌ماپه قرار می‌دهد و با روایتی راشومونی سعی می‌کند واقعیت را دست‌نیافتنی و پیچیده نشان دهد. قورباغه افراطی‌ترین فاصله‌اش را با واقعیت می‌گیرد و همه چیز را از ذهن یک شخصیت روایت

می‌کند، اما کاری می‌کند دست کم خط کلی قصه را باور کنیم. قورباغه از نظر تکنیک به لطف پیمان شادمانفر فیلم‌بردار، فاصله مشخصی از بقیه سریال‌های نمایش خانگی گرفته و بخش زیادی از جذابیت سریال بصری است، به‌ویژه در ۲ قسمت پایانی فراتر از انتظار است. تلفیق ژانر به سیدی امکان داده است در فضاهای مختلف حرکت کند و شکل‌های مختلف فیلم‌سازی را بیازماید. تصمیمی که در عین شجاعانه بودن گاهی به قیمت از دست رفتن لحن یک‌دست سریال تمام شده است. از این شاخه به آن شاخه پریدن‌های سیدی به‌ویژه در چند قسمت ابتدایی باعث می‌شود دیر به ایده اصلی سریال وارد شویم و مخاطب سردرگم شود که سریال درباره چیست؟

# قیام یاغی!

در باره «هومن سیدی»  
و سریال جسورش، قورباغه، که  
به پایان خطر رسید اما همه چنان  
بحث میان مخالفان و موافقانش  
ادامه دارد



## جمع جذاب تناقضات!

چند سال پیش در مصاحبه‌ای تلویزیونی، وقتی از او پرسیدند که پیش از شهرت و در سال‌های جوانی چطور روزگار می‌گذراندی، گفت که می‌توانم بگویم، اما روی آنتن زنده مشکلی ندارد؟ مجری که جاخورده بود، به احتمال برای بررسی پاسخ میهمان گفت برویم و برگردیم و بعد بگو. اما پس از برگشت هیچ حرفی زده نشد. هومن سیدی این‌طور است؛ ساده و پیچیده، ناشناخته و آشنا، صریح و پرده‌پوش، مخاطب‌پسند و منتقد جذب کن، مستقل و وابسته، شرقی و غربی! جمع تناقض‌هایی که گاهی او و آثارش را جذاب می‌کند و گاهی آدم‌ها را پس می‌زند. پسر جوان، خوش‌قیافه و ریزاندامی که سال‌ها ۸۶ در سریال «راه بی‌پایان» دیده شد، اگر به همان شهرت جزئی راضی بود، به احتمال هنوز هم باید از این سریال به آن سریال می‌رفت و اوج موفقیتش بازی در سریال پرمخاطب نوروزی یا به دست آوردن یک نقش درجه ۳ در یک فیلم سینمایی کم‌بودجه بود. اما او ۳ سال بعد از آن روزها ناگهان «آفریقا» را ساخت. آفریقا برای آنان که سیدی را از دوره فیلم کوتاه‌سازی دنبال می‌کردند، اتفاق غریبی نبود، اما برای مخاطب عام، واقعا پرشی ناگهانی بود. هیچ‌وقت هم معلوم نشد آفریقایی که جایزه بهترین کارگردانی را از جشنواره فجر سال ۸۹ گرفت، چرا هیچ‌وقت اکران عمومی نشد و چرا وقتی به شبکه نمایش خانگی رفت، پربیننده‌ترین فیلم در آن سال‌ها بین انبوه کم‌دی‌های رایج آن دوره شد! همان‌طور که هیچ‌وقت معلوم نشد چرا در دوره اوج کپی‌کاری از آثار فرهادی و ساخت فیلم‌هایی درباره چالش‌های اخلاقی و اجتماعی قشر متوسط، هومن سیدی راه دیگری رفت و داستان ۳ جوان گروگان‌گیر را ساخت؟ اثری که با وجود خام‌دستی‌های یک فیلم‌اولی اما جسارت داشت و جلوه‌دوربین تیر و تیراندازی‌ها انداخت و شخصیت‌پردازی متفاوتی از آنچه معمولاً تا آن زمان دیده بودیم، انجام داد. سیدی با وجود بودجه کم فیلم اولش، در بند لوکیشن داخلی نماند و از همه مهم‌تر ۳ عنصر خشونت، عشق و قدرت را در فیلم‌هایش تثبیت کرد. سیدی در سال‌های پس از آفریقا بازم در تلویزیون حضور داشت، با همسر سابقش میهمان برنامه شب سال نو می‌شد و نقش‌های گاهی فرعی در سریال‌های تلویزیونی بازی می‌کرد. اما حالا دیگر معلوم بود که او فیلم‌ساز است و نگاه خاص خود را دارد، تلاش مذبوحانه برای ساخت اثر جایزه‌بگیر در سطح جهانی نمی‌کند و سعی می‌کند دنیای خودش را بسازد. دنیایی که اصلا از ایراد خالی نبود؛ او متهم به بی‌هویتی بود. گانگسترهای تفنگ‌به‌دست و روابط خشن و مناسبات نه‌چندان ایرانی، در فیلم اول و دوم او، یعنی «آفریقا» و «سبزه» پررنگ بودند. به سبزه هم مثل آفریقا توجه شد و جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره فجر سال ۹۱ را گرفت. در فیلم بعد، هومن سیدی گامی بلند برداشت و «اعترافات ذهن خطرناک من» را ساخت. فیلمی با کیفیت فنی خوب و فیلم‌برداری حساب‌شده و موضوع روان‌شناختی به نسبت پیچیده که متهم به کپی‌کاری از فیلم «ممنوت» شد. همان‌طور که «مغزهای کوچک زنگ‌زده» به کپی‌برداری از «شهر خدا» متهم شد. اتهاماتی که زیاد هم نچسب نبودند. اما اعترافات و مغزها، هم جوایز زیادی رانصیب سیدی و همکارانش کرد و هم در گیشه خوب فروخت. اما بین این ۲ فیلم، هومن سیدی فیلم دیگری هم ساخت؛

«خشم و هیاهو». منتقدان و مردم به خشم و هیاهو هیچ‌وقت به اندازه بقیه آثار سیدی توجه نکردند، اما تثبیت‌کننده روشی بود که تا همین امروز هم درباره آثار هومن سیدی صادق است؛ مدیریت هنری. مدیریت هنری را می‌توان به مجموعه مدیریت فیلم‌برداری، طراحی صحنه، طراحی نور، اصلاح رنگ و نور پس از تولید و در مجموعه رنگ و لعاب فیلم اطلاق کرد. تعریفی که قطعا جامع و مانع نیست، اما در سینما تعریفی کاربردی است. جایی که هومن سیدی را در آن نمی‌توان کپی‌کار خواند و نه بنیان‌گذار سبکی خاص. او فقط به یک مورد مهم فراموش شده در سینمای ایران، یعنی اهمیت هویت بصری، توجه می‌کند. آخرین ساخته او، یعنی سریال «قورباغه»، اوج این ظرافت‌ها و طبع آزمایی‌های سیدی است؛ جایی که گاهی اهمیت بیش از حد به جلوه‌های بصری، او را از حفره‌های فیلم‌نامه غافل کرده است، اما آن قدر این تلاش‌ها جذاب است که می‌توان با اغماض از عمیق نبودن شخصیت‌پردازی‌ها در قورباغه و مشکلات فیلم‌نامه و منطقی روایت‌گذشت و آخرین ساخته سیدی را اولین ساخته استاندارد در سریال‌سازی نمایش خانگی ایران دانست.

حالا پس از یک دهه فیلم‌سازی، سیدی با وجود تجربه بیشتر و امکانات مالی و توجه رسانه‌ای بیشتر، تقریبا همان آدم اول است. نویسنده و کارگردان همه آثار خود است و آن‌طور که رایج است، می‌توان او را مؤلف خواند، اما از سویی دیگر متهم به کپی‌کاری است. او دنیایی متفاوتی با آثار معمول سینمای ایران خلق می‌کند، اما دنیایش نزدیک به آنچه در کشور ما می‌گذرد نیست. بعضی کارها را اولین بار در سینمای ایران انجام داده، اما در بعضی جنبه‌ها از گذشتگان خود عقب‌تر است. او جمع همه این تضادها و تناقضات است، با حاشیه‌های غیرهنری کم، استعداد و تلاش زیاد و با حداقل ۲۰ سال عمر مفید هنری در پیش رو. هرچند با همین سن نه‌چندان زیاد، از حالا در مقام استادی ایستاده است و در هر کارش دست کم یکی دو بازیگر خوب رخ می‌نمایند!

## سراغاز یاغیگری

درباره سریال قورباغه در یخ‌های بسیاری با من می‌ماند. ساختار شکنی‌هایش را تحسین می‌کنم اما عجول بودنش آزاردهنده است. همه قسمت‌ها با سرعت خوبی پیش می‌رود اما گاهی ماجراها به این نظام طراحی شده نمی‌خورد. شخصیت‌ها خودشان مستقل تصمیم نمی‌گیرند و احتیاج‌های پی‌رنگ به زور حرکتشان می‌دهد. مثالش حرکت نوری از خانه و رفتن به شمال کشور و فصل جذاب روی کشتی است. چرا کسی که آن قدر باهوش است که حساب همه چیز را کرده، پیش از این به اتفاقی چنین محتمل فکر نکرده و برایش نقشه‌ای نکشیده است؟ یا چطور نوری تا این حد به رامین اعتماد می‌کند و مسئولیت کارها را به او می‌سپارد؟ نه ریشه اعتمادها مشخص است و نه ریشه تغییر شخصیت‌دادن‌ها، چون در پی‌رنگ برنامه جدی برایش وجود ندارد. پی‌رنگ قورباغه در تمام مدت بر پایه ضرب‌شست نشان دادن، غافل‌گیر کردن و حرکت دادن سوژه‌ها در محیط‌های مختلف طراحی شده است. خبری از شخصیت‌پردازی نیست. آدم‌ها با چند ویژگی از هم متمایز می‌شوند و پس از آن با همان چیزی که تعریف شده‌اند پیش می‌روند و همین آن‌ها را مرموز کرده است. هر تصمیمی که شخصیت‌ها بگیرند، برایمان عجیب است، چون معیاری برای شناختشان در دستمان نیست. ما می‌فهمیم این آدم‌ها کجا زندگی می‌کنند، چطور لباس می‌پوشند، رابطه‌شان با اطرافیان‌شان چطور است! اما به جز موارد معدودی نمی‌فهمیم این آدم‌ها چطور فکر می‌کنند و بر چه اساسی زندگی می‌کنند. رفت و برگشت‌های زمانی سریال هم بیش از آنکه ذات داستان باشد و بخواهد کمکی به ایده اصلی سریال، یعنی قدرت، بکند، در راستای همان ضرب‌شست نشان دادن و شوکه کردن است.

در این جامعه خبری از وفاداری نیست. آدم‌های قورباغه هیچ عذاب وجدانی ندارند. همین باعث می‌شود از گنده‌خلافکارهایی مثل والتر وایت در سریال «بریکینگ بد» هم شرورتر به نظر برسند. در حقیقت نظام اخلاقی بین شخصیت‌های قورباغه نه همچون بریکینگ بد در یک چالش همیشگی بین راه درست و راه غلط است که نظامی بی‌دروپیکر است. آدم‌های قورباغه هیچ خط قرمزی ندارند و فقط به خواست فردی خود اهمیت می‌دهند. تأثیر پذیری از ماده قورباغه باعث می‌شود آن خواست فردی موقت ناپدید شود و حرف شنوی از دیگری (از شاه) جایگزینش شود. آدم‌های قورباغه به راحتی زخم می‌زنند، به راحتی حذف می‌کنند، به راحتی خیانت می‌کنند و به راحتی آدم می‌کشند. جامعه قورباغه را می‌توان نقطه شروع عبور از اخلاقیات در نظر گرفت. جامعه‌ای که بیش از همه به غریزه و میل بها می‌دهد و از تجربه چیزی هراس ندارد. این گزاره بیش از آنکه ترسناک، هولناک یا نگران‌کننده باشد، واقعی است؛ به احتمال مهم‌ترین واقعیتی است که می‌توان از دل این سریال ذهنی و تخیلی بیرون کشید. هومن سیدی درست یا غلط، طبق اصول یا خارج از قاعده، علیه پیش از خود شوریده است. مخاطبی که قورباغه دیده است را دیگر نمی‌شود با «پایتخت» و «شهرزاد» سرگرم کرد. تماشای قورباغه شبیه سفری است به ناشناخته‌ها و سلیقه‌ای می‌سازد که از پی‌اش انتظاراتی تعریف می‌کند. انتظار حرکت به سمت ژانر و بهادادن به تخیل و رها کردن واقع‌گرایی ساختگی که در همه این سال‌ها به خورد مخاطب داده شده است. این ۱۵ قسمت نسخه کامل‌تری از کارهای گذشتگان نیست. قورباغه سراغاز دوران یاغی‌هاست. یاغیانی که به احتمال دل‌پری از قبلی‌ها دارند. حال پرسش این است که این مجموعه طغیانگر و افراطگر در نقض اخلاق گذشتگان، به کجا می‌انجامد؟



ترباره هویج خوراکی  
خوش رنگ و لعاب،  
بهداشتی روز  
جهانی اش

## یک سبزی نارنجی!

شاید برایتان جالب باشد که بدانید در تقویم، روزی با عنوان روز جهانی هویج داریم! بله، هویج سبزی ای ریشه‌دار یا غده‌ای خوراکی است که خواص منحصر به فرد آن باعث شده است از سال ۲۰۰۳، چهارم ماه آوریل به عنوان روز جهانی هویج نام گذاری شود و مردم دعوت به جشن گرفتن در این روز شوند. بر همین اساس ما نیز به سراغ معرفی هویج و خواص آن و تاریخچه‌ای از این روز جهانی رفتیم.

- هویج از خانواده جعفری، رازیانه، شوید و زیره، گیاهی خوشمزه، با ارزش غذایی زیاد و کالری کم است که در واقع جدیدترین نوع آن نارنجی رنگ است و در اصل هویج سفید رنگ است، اما هنوز در رنگ‌های مختلف از جمله بنفش، قرمز، سفید، زرد یا سیاه موجود است.

- از طریق اسناد و نقاشی‌های تاریخی می‌توان هویج را در حدود ۵۰۰۰ سال پیش جست‌وجو کرد. هیچ کس نمی‌داند دقیقاً اولین هویج چه زمانی ظاهر شده است، زیرا بسیاری از مردم آن‌ها را با گل جعفری، یکی از اقوام نزدیک هویج، اشتباه گرفتند.

- تاریخ نوشتاری و پژوهش‌های ژنتیک مولکولی هردو نشان می‌دهند که خاستگاه هویج اهلی، آسیای مرکزی است. منشأ آن‌ها کان وحشی هویج به احتمال افغانستان کنونی است که همچنان مرکز تنوع هویج وحشی است.

- هویج در قرن هشتم وارد اسپانیا شد و هویج مدرنی که امروز با آن آشنا هستیم، اولین بار در حدود قرن دهم در افغانستان کشت شد. این هویج معمولاً بنفش یا زرد با ریشه‌های شاخه‌ای است و هویج شرقی نامیده می‌شود. هویج‌های کشت شده در قرن چهاردهم به چین و در قرن هجدهم به ژاپن رسیدند. آن‌ها در قرن هفدهم به وسیله اروپایی‌ها به آمریکای استعماری آورده شدند. هویج غربی معمولاً نارنجی است و از قرن هفدهم در هلند کشت می‌شود.

- محتوای آب موجود در هویج ممکن است از حدود ۸۶ تا ۹۵ درصد متغیر باشد و در حدود ۱۰ درصد کربوهیدرات دارد. هویجی با اندازه متوسط دارای ۲۵ کالری، ۶ گرم کربوهیدرات و ۲ گرم فیبر و منبع عالی ویتامین A است که بیش از ۲۰۰ درصد نیاز روزانه شما را فقط یک هویج تأمین می‌کند.

- هویج‌ها منبع خوب و مناسبی از ویتامین‌ها و مواد معدنی مختلف هستند به ویژه ویتامین A (از بتا کاروتن)، بیوتین، ویتامین K (فیلولون)، پتاسیم و ویتامین B6.

- ویتامین A باعث بهبود بینایی می‌شود و برای رشد و عملکرد ایمنی بدن بسیار مناسب است. ویتامین B نیز نقش مهمی در متابولیسم چربی‌ها و پروتئین دارد. ویتامین K برای انعقاد خون مهم است و سلامت استخوان‌ها را بهبود می‌بخشد. پتاسیم هویج یک ماده معدنی ضروری برای کنترل فشار خون است و ویتامین B6 هویج گروهی از ویتامین‌های مرتبط با تبدیل مواد غذایی به انرژی است.

- هویج که یکی از ۱۰ سبزیجات مهم جهان است، می‌تواند در بسیاری از وعده‌های غذایی از جمله سالادها، کیک‌ها، نوشیدنی‌ها، خورشیدها، سوپ‌ها، مرباها و غذاهای مختلف حضور داشته باشد و منابع مغذی زیادی را در اختیار شما بگذارد.



ترباره نسل پنجم شبکه تلفن همراه که قرار است تحولی بزرگ در اینترنت ایجاد کند و دنیا را بهمان راز پرور کند



## 5G چگونه طوفان به پاهای ما می‌کند؟

فاطمه اصفی

یکی از روندهای تحول دیجیتال

در سال 2019، 5G معرفی شد و از همان زمان زمزمه‌هایی از این نوع شبکه تلفن همراه و امکانات آن در جهان شنیده می‌شود، اما صحبت از آن برای مادر ایران، که در سال گذشته موفق به رونمایی از 5G در برخی نقاط کشور شدیم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و لازم است تباری دیگر این سؤال را مطرح کنیم که 5G چیست و چه دنیای جدیدی را پیش روی ما می‌گذارد؟ 5G نسل پنجم شبکه‌های تلفن همراه است که در حدود 100 برابر سریع‌تر از اینترنت 4G است و این بهبود چشمگیر در اتصال به شبکه اینترنت، فرصت‌های جدیدی را برای ارائه راه‌حل‌های پیشگامانه در اختیار جامعه قرار می‌دهد.

### شگفتی‌های 5G در چیست؟

سرعت بسیار زیاد، تأخیر کم، تداخل کم و پهنای باند بیشتر، از ویژگی‌های شاخص 5G است که او را به جایگزینی برای اتصالات 4G تبدیل می‌کند. با دستیابی به شبکه 5G می‌توان منتظر سرعت دانلود و آپلود به مراتب بیشتر از سرعت کنونی بود. علاوه بر این، لتنسی، یعنی مدتی که طول می‌کشد دستگاه با شبکه‌های مخابراتی وایرلس تعامل کند، به شکل چشمگیری کاهش می‌یابد.

بیباید کمی بیشتر درباره این ویژگی صحبت کنیم. گفتیم که سرعت 5G بسیار زیاد است. اما چه تفاوتی بین سرعت 5G و 4G وجود دارد؟ با یک مثال این سرعت را بهتر درک می‌کنیم: فرض کنید قصد داریم فیلم HD دوساعته‌ای را دانلود کنیم، اگر با 3G این کار را انجام دهیم، نیازمند 26 ساعت زمان، یعنی معادل با پرواز از استرالیا تا آمریکا هستیم. دانلود این فیلم با اینترنت 4G، 6 دقیقه زمان می‌برد و اما با اینترنت 5G، فقط 6/3 ثانیه زمان نیاز دارید! تأخیر زمانی، فاصله زمانی رسیدن داده از دستگاه مبدأ به دستگاه مقصد است. در حالی که تأخیر زمانی در 4G برابر با ۵۰ میلی‌ثانیه است، با 5G می‌توانیم پیام‌ها را نزدیک به زمان واقعی و فقط با یک میلی‌ثانیه تأخیر دریافت کنیم. این ویژگی 5G به ما در مراقبت‌های پزشکی، اتومبیل‌های خودران و هوانوردی کمک زیادی می‌کند تا داده‌ها را در زمان واقعی خود منتقل کنیم.

تداخل کم از دیگر قابلیت‌های 5G است، به این معنی که اگر در محیطی شلوغ مثل استادیوم یا کنسرت قصد استفاده از تلفن همراه خود را دارید، دیگر مثل گذشته دچار مشکل نخواهید شد، زیرا 5G می‌تواند تا یک میلیون دستگاه در هر کیلومتر مربع را اداره کند. طول موج‌هایی که در 3G و 4G به کار می‌رود، در محیط اطراف ما اشباع شده است و باعث ایجاد اختلالات و نویز می‌شود. برخلاف آنتن‌های 4G که امواج را به صورت ۳۶۰ درجه در محیط پخش می‌کنند، آنتن‌های 5G جهت‌دار هستند که موجب کاهش اختلالات در محیط می‌شود.

پهنای باند 5G اجازه می‌دهد دستگاه‌های بیشتری را به یک اینترنت متصل کنیم و به این معنی است که در آینده مشکلی به نام اتصال بیش از حد به یک مودم نخواهیم داشت. در خانه‌های هوشمند همه وسیله‌ها به یک مودم متصل اند و حالا با پهنای باند بیشتر 5G، کارها با سرعت بیشتری پیش می‌روند.

### فرکانس‌های رادیویی 5G و 4G چه تفاوت خاصی با هم دارند؟

5G با همان فرکانس‌های رادیویی که اکنون برای تلفن‌های هوشمند شما در شبکه‌های WiFi و ارتباطات ماهواره‌ای استفاده می‌شود، کار می‌کند، اما فناوری را قادر می‌کند پیشرفت‌های بسیار بیشتری داشته باشد. فراتر از اینکه بتوانید فیلمی کامل HD را در عرض چند ثانیه روی تلفن خود بارگیری کنید (حتی از یک استادیوم شلوغ)، 5G در واقع مربوط به اتصال همه چیز در همه جا است؛ مطمئن و بی تأخیر. بنابراین افراد می‌توانند همه چیز را در کسری از زمان اندازه‌گیری، درک و مدیریت کنند.

امواج رادیویی چیزی است که دستگاه‌ها را به شبکه متصل می‌کند، اما تفاوت فرکانس‌های رادیویی 5G در مقابل 4G چیست؟ امواج رادیویی 120 سال است که برای ارتباطات بی‌سیم استفاده می‌شود و ما از آن‌ها برای پخش رادیو و تلویزیون، برقراری ارتباط در شبکه‌های تلفن همراه و WiFi استفاده می‌کنیم. طیف فرکانسی نسل پنجم شامل موج‌های باند بالا (بیش از ۶ گیگاهرتز)، باند متوسط (۲ تا 5/4 گیگاهرتز) و باند پایین، مشابه نسل چهارم (زیر ۳ گیگاهرتز) است.

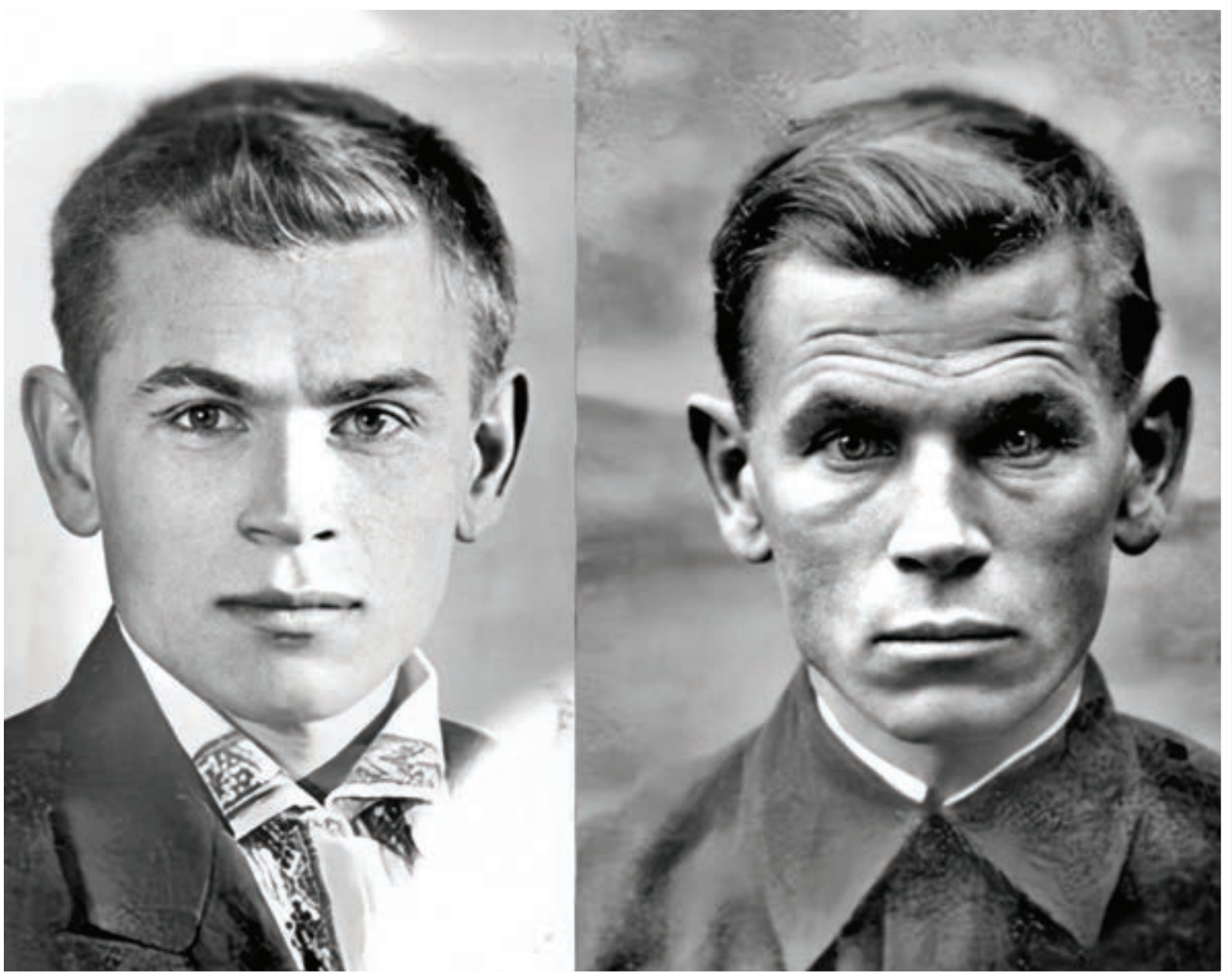
امواج رادیویی، درست مانند نور، نوعی امواج الکترومغناطیسی‌اند. امواج رادیویی فرکانس‌های بسیار کمتری نسبت به نور دارند و برای ارتباطات تلفن همراه مناسب‌اند. یک آنتن شبکه 5G از مقدار نسبتاً کمی نیرو، از کمتر از یک وات تا چند صد وات، تقریباً از همان محدوده لامپ‌های سنتی استفاده می‌کند.

### با آمدن 5G منتظر چه چیزهایی باشیم؟

حال که با اینترنت نسل پنجم یا دقیق‌تر، نسل پنجم ارتباطات سیار سلولی با سرعت بسیار زیاد، آشنا شدیم، وقت آن رسیده است که بیشتر از کاربردهای آن بگوییم. با بزرگ‌تر شدن شهرها و پیشرفت فناوری، نیاز شدیدی به یک بستر ارتباطی حس می‌شود که داده‌هایی را از یک سوی شهر به سوی دیگر آن با سرعت زیاد و تأخیر کم انتقال دهد. این فناوری به ما کمک می‌کند در مدیریت بحران و مواقع اضطراری عملکرد سریع‌تری داشته باشیم. 5G شرایط نظارت بر کیفیت هوا در شهرهای مختلف در زمان واقعی و همچنین کمک‌های پزشکی در هر زمان و مکان را فراهم می‌کند و اتصال موثقی و مطمئنی را به مناطقی که دسترسی به آن‌ها دشوار است، ایجاد خواهد کرد.

اتومبیل‌های خودران، کنترل از راه دور، امنیت عمومی و زیرساخت به معنای پایش از راه دور، اتفاقاتی مانند آب‌گرفتگی یا قطع برق و اینترنت اشیا برای ارتباط سنسورها و دستگاه‌ها با شبکه‌ای که از طریق آن می‌توانند با یکدیگر و با کاربران‌شان تعامل کنند، از جمله کاربردهای دیگر آن است.





برگردان به پارسی: عاطفه همایونی

# آندره ۴۴ سال پس از جنگ!

آلمان» به وی امتناع ورزید، زیرا اسارت جنگی به دوران نظامی او لکه ننگی انداخته بود!

## نگاه‌های جنگ زده

به احتمال اگر درباره جنگ و تأثیری که بر سربازان می‌گذارد خوانده باشید، اصطلاح «The Thousand Yard Stare» به معنای لغوی نگاه خیره چند هزار یاردی، را دیده‌اید. در بسیاری از موارد بررسی شده، یکی از اولین نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه (بی‌تی‌اس‌دی) برای سربازان جنگی، نگاهی تهی یا متمرکز به دور دست تعریف شده است. این اصطلاح در اصل از روی عنوانی آمده است که مجله تایم برای نقاشی تام لی، هنرمند و خبرنگار جنگ جهانی دوم، برای تفنگدار دریایی انتخاب کرده بود.

مهمی هستند که افراد مبتلا به سندرم اختلال استرس پس از سانحه به آن مبتلا می‌شوند. مشخصه این بیماری تکرار ناخواسته خاطرات است که روزهای تاریک و تلخ را دوباره و دوباره برای فرد بازسازی می‌کند. افراد مبتلا به این سندرم دیگر نمی‌توانند با چیزهایی که پیش‌تر از آن لذت می‌بردند، ارتباط برقرار کنند. آن‌ها از معاشرت با دیگران دوری می‌کنند و به‌طور کلی منفعل‌تر از گذشته می‌شوند. این افراد از هر چیزی که به طریقی باعث یادآوری خاطرات گذشته شود، فرار می‌کنند، در حالی که اگر رد نگاه خیره آن‌ها را بگیرید، به میدان جنگ خواهید رسید؛ جایی که هیچ راه گریزی برای انسان ماندن وجود ندارد.

زندگی روزمره علاقه‌مند بود. رؤیای او برای تحصیلات عالی هنری در او کرایس تحقق یافت. در سال ۱۹۴۱ او با افتخار از این مؤسسه هنری فارغ‌التحصیل شد. اما برنامه‌های کوبیتف در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۱، با حمله آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی نقش بر آب شد و این هنرمند داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست.

در سپتامبر ۱۹۴۱، کوبیتف که از ناحیه پا مجروح شده بود، به اسارت آلمانی‌ها درآمد. او حدود ۲ سال در اردوگاه نازی‌ها، معروف به «گودال کورول»، اسیر بود. این اردوگاه که فقط یک پادگان داشت، ۶۰ هزار زندانی را در خود جای می‌داد. وضعیت این اردوگاه به قدری نامناسب بود که تقریباً ۹۰ هزار اسیر جنگی و غیرنظامی نتوانستند از آن جان سالم به‌در ببرند. در سال ۱۹۴۳ کوبیتف موفق شد از گودال کورول فرار کند و دوباره به ارتش سرخ بپیوندد. او پس از پایان جنگ جهانی دوم، به دلیل خدمات عالی نظامی در طول جنگ جهانی دوم، اسمیلا و کورسون در اوکراین، مدال قهرمانی دریافت کرد، اگرچه فرماندهی کل از اعطای مدال «پیروزی بر

این ۲ تصویر در موزه «آندره پوزدیف» در کنار هم به نمایش گذاشته شده‌اند. در توضیح موزه درباره کوبیتف، روزی که در سال ۱۹۴۱ به جبهه رفت. (راست) یک انسان بعد از ۴ سال جنگ است. کوبیتف در تصویر اول به شما نگاه می‌کند، اما در تصویر دوم گویی نگاهش از درون شما می‌گذرد.

در سال ۱۹۴۱ او مردی جوان بود که می‌خواست زندگی هنرمندانه خود را آغاز کند، اما آلمان به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد و او به ناچار به ارتش پیوست. ۴ سال بعد، چهره او دچار تغییری نکان دهنده شده است. یک صورت لاغر و خسته با چین و چروک‌های عمیق و نگاه خیره‌ای که آشفتگی او را نشان می‌دهد. این مرد پس از تجربه ۴ سال جنگ بی‌قانون در جبهه‌های شرق، به آدمی متفاوت تبدیل شده است.

## اسارت رؤیای نقاشی

استپانویچ کوبیتف در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۰ در روستای «آلتای» متولد شد. او پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان معلم در مناطق روستایی «کراسنویارسک» مشغول به کار شد. او به نقاشی به‌ویژه نقاشی پرتره و پانوراما از